



راه تسریع محاکمات

جناب آقای صادق احمدی وزیر محترم دادگستری
نظر به شور و هیجانی که در روح آنجناب برای تلاش در راه تسریع محاکمات
دادگستری می بینم و نظر به علاقه وافری که خود برفع نواقص کار دادگستری
دارم و نظر به تقاضای کانون وکلاء که اگر نظری در این راه دارم تقدیم نمایم -
اینک به اختصار نظر آن مقام را بعرایض ذیل جلب مینمایم:

۱- اشکال اصلی کندهی کار دادگستری خصوصاً اینکه ضمیمه طبع تأمل پیشه
امر قضاوت نیز گردد در دو امر اساسی است که از تجربه های عملی که در کار
دادرسی ها بدست آوردم باین تشخیص رسیده ام و عقیده دارم اگر بدان توجه
فرمائید بسیاری از این ناله هایی که مردم از دادگستری دارند خاموش میشود یکی
مسئله ابلاغ و دیگری روش مورد عمل است که متأسفانه فعلاً روال کار در بعضی از
محاکم دادگستری مخصوصاً در شهرستانها براین قرار گرفته که با نقص ابلاغها،
جلسات رسیدگی تجدید می شود و همین تجدید جلسه هاست که از طرفی وقت بعضی
از دادگاههای شهرستانها را تایکسال هم رسانیده و از طرف دیگر در روزهایی که
وقت محاکمه تجدید میشود قاضی فارغ البال از محاکمه بکارهای دیگر خود میرسد و
همین وضع است که فریادها را از بطیء جریان دادگستری دلخراش ساخته است.

من قطع دارم اگر به عرض برسانم که فقط اجرای يك قرار معاینه با نظر
کارشناس در يك دادگاه شهرستان متجاوز از چهارسال است که خود من وکیل
خواهانها هستم به تجدید جلسه انجامیده و هنوز هم اجرا نگردیده در حالیکه چه
در زمستان سرد و چه در تابستان گرم در سر موقع در دادگاه حاضر بودم تعجب
خواهید فرمود. ابلاغهای وقتها بدست مأمورینی که احساس مسؤلیت نمی نمایند

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صحیح و سریع ابلاغ نموده‌اند و همچنین قضاتی که سرعت و صحت دادرسی را توأم با رعایت نموده از اطاله محاکمه احتراز جسته باشند براساس آئین‌نامه‌ای که وزارت دادگستری تهیه مینماید هر سال پاداشی به آنها داده شود.

بنظر اینجانب تصویب این ماده به بی‌ترتیبی وضع فعلی ابلاغ خاتمه میدهد زیرا در حال حاضر اولاً همه مدیران دفاتر و مأمورین ابلاغ در این کار بی‌تفاوت بوده و قانوناً احساس مسؤلیتی درصحت امر ابلاغ برای خود احساس نمی‌نمایند. ثانیاً چون تا روز جلسه که اخطاریه (اگر دفتر و بایگان ضمیمه پرونده نماید که اغلب در گوشه و کنار دفتر مانده و بایگان گزارش میدهد اخطاریه برنگشته دادگاه هم فوراً به تجدید جلسه می‌پردازد) ضمیمه پرونده بشود دادگاه از نقص آن بی‌اطلاع است در جلسه به استناد آن ناچار به تجدید میشود. ثالثاً مأمورین ابلاغ غیر عضو دادگستری نیز مسؤلیتی در برابر دادگستری ندارند در حالیکه در این مورد بیکی از مهمترین کار دادگستری می‌پردازند و در حکم مأمورین دادگستری هستند بنابراین باموظف ساختن همه مأمورین زیدخل در امر ابلاغ و تعیین مسؤلیت قانونی و برقراری دادگستری نیز مسؤلیتی در برابر دادگستری ندارند در حالیکه در این مورد بیکی از مهمترین مجازات برای متخلف و پاداش برای مجری صحیح قانون از امر تجدید جلسه مأمورین دولت جلوگیری میشود که اساس تأخیر رسیدگی‌ها و تجدید جلسات مربوط به آنهاست در حالیکه چون تا بحال این امر را به‌گردن وکلای دادگستری می‌انداختند مدت‌هاست مواد مربوط به منع تقاضای تجدید جلسه بیش از یک جلسه حتی با رضایت طرفین و منع تغییر محل اقامت وکیل دادگستری هم در قانون آئین دادرسی مدنی وارد شده معیناً اینطور تأخیر رسیدگی و تجدید جلسات بعمل می‌آید که مربوط به نداشتن مسؤلیت مأمورین ابلاغ و ناشی از نقص کار دستگاه دولت و بی‌علاقگی قضای بانجام محاکمات است.

(۲) - ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی باید بجای ماده ۱۲۵ در قانون مزبور

قرار گیرد و به شرح ذیل هم اصلاح شود:

ماده ۱۲۵ - مدیر دفتر پس از مبادله لوایح باید پرونده را ظرف مدت بیست و چهار ساعت به نظر حاکم دادگاه برساند که پرونده را ملاحظه نموده در صورتیکه محتاج به توضیحاتی از اصحاب دعوی نباشد رأی خود را صادر نماید و اگر محتاج به توضیحی باشد موارد توضیح را بطور روشن در ورقه صورت مجلس قید کرده دستور میدهد ضمن اخطاریه‌ای موارد مزبور به کسی که از او توضیح لازم است اطلاع داده شود و مهلتی حداکثر یک‌هفته برای پاسخ‌گویی بموارد توضیح باو داده شود مدیر دفتر مکلف است پس از یک هفته از تاریخ ابلاغ آن اخطاریه پرونده را نزد حاکم دادگاه ببرد که رأی خود را صادر نماید در اینصورت اگر از خواهان دعوی توضیح کتبی نرسیده باشد و دادگاه اگر با ابهام دعوا نتواند رأی بدهد قرار ابطال دادخواست را صادر میکند و در آنصورت دادگاه بتقاضای

مدعی علیه حکم بنسارت وارده بر او میدهد. هرگاه وکیل فوت یا ممنوع یا معلق از وکالت یا توقیف شود در صورتیکه دادگاه محتاج به توضیح نباشد رأی خود را صادر مینماید. همین حکم نسبت به توقیف هریک از اصحاب دعوا که وکیل نداشته باشند نیز جاری مینماید.

تفاوت این ماده اصلاحی با ماده فعلی اینست که از تجدید جلسه در این ماده جلوگیری میشود زیرا در ماده ۱۲۸ - فعلی تصریح دارد اگر دادگاه خود را محتاج به توضیحی دید باید جلسه رسیدگی برای خواستن توضیح تعیین نماید و عجیب اینست با آنکه در قانون تصریح دارد در جلسه مزبور جز در مورد توضیح مطلب دیگری نباید گفته شود متأسفانه در دادگاهها برای تجدید جلسه بطرفین مجال داده میشود که وقت دادگاه بمطالب مفصلی گرفته شده سپس دادگاه بعنوان اینکه وقت این دادرسی پایان یافته دستور تجدید جلسه دهد و این نوع تجدید جلسات مرتب ادامه یابد چنانکه اغلب گرفتار آن شده ایم.

(۳) ماده ۱۲۵ فعلی بشرح ذیل اصلاح شود.

ماده ۱۲۶ - در صورتیکه موارد توضیح منظور نظر دادگاه پس از ملاحظه توضیحات کتبی منظور در ماده فوق باز هم ضرورت حضور اصحاب دعوا را در جلسه دادرسی ایجاب نماید جلسه دادرسی برای اولین روزی که دادگاه مطابق دفتر اوقات وقت رسیدگی دارد معین میشود و این وقت باید طوری تعیین شود که فاصله بین ابلاغ وقت باصحاب دعوی و روز جلسه کمتر از سه روز نباشد. در جلسه مزبور دادگاه فقط اجازه میدهد مورد ابهام توضیح را از کسی که باید جواب دهد بشنود و خود دادگاه خلاصه آنرا در صورت جلسه رسیدگی قید مینماید و به اتخاذ تصمیم میپردازد. و دیگر حق تجدید جلسه برای ادامه توضیح ندارد.

ماده ۱۲۶ مکرر - اگر اصحاب دعوی متعدد باشند و امر ابلاغ بیک یا چند نفر از خواندگان صحیحاً انجام نیافته باشد تجدید جلسه بعذر عدم ابلاغ مزبور جایز نیست و دادگاه باید بتقاضای تفکیک رسیدگی مورد تقاضای خواهان ترتیب اثر داده نسبت بکسانی که امر ابلاغ صحیحاً انجام یافته بامر رسیدگی دعوی پردازد و یا قرارهای صادره را اجرا کند.

تفاوت ماده ۱۲۶ پیشنهادی با ماده ۱۲۵ فعلی این است که اولاً دادگاه فقط در مواقع بسیار ضروری که توضیحات کتبی کافی برای رسیدگی نبوده توضیحات حضوری طرفین را دادگاه لازم میدانند باید تعیین جلسه کند ثانیاً جلوی تجدید جلسه دیگر گرفته شده است، ثالثاً خود دادگاه باید خلاصه توضیح را وارد صورتجلسه نماید در حالیکه در حال حاضر دست دادگاه برای تجدید جلسات متعدد بعنوان توضیح باز است و از این تجدید جلسه های بی جهت زیاد بعمل میآید.

ماده ۱۲۶ مکرر که وجود آنرا در عمل بسیار لازم دیدم جلوی تجدید جلسه های مکرر دادگاه را مخصوصاً در مواردی که خواندگان متعددی در محل متعددی

در محل اقامت‌های مختلف قرار دارند و بقصد تأخیر رسیدگی وسایل نقص ابلاغ را فراهم می‌آورند بکلی خواهد گرفت زیرا مدعی حق دارد دعوایش را هر موقع از هر یک از خوانندگان پس بگیرد و یا مسکوت گذارد و در اینصورت باید باو حق داد برای تسریع رسیدگی نسبت به کسی که ابلاغ صحیح شده به دعوایش رسیدگی شود و بامهیا بودن وسایل رسیدگی بسایرین وقت خود و دادگاه و سایرین تلف نشود.

(۴) - ماده ۱۲۶ فعلی باید ماده ۱۲۷ شود.

(۵) - ماده ۱۲۷ فعلی باید ماده ۱۲۸ شود بشرح ذیل اصلاح شود:
ماده ۱۲۸ - دادگاه میتواند جلسه دادرسی را بارضایت متداعیین فقط برای یکبار بتأخیر اندازد ولی هرتجدید جلسه دادرسی باید وقت آن حضوراً ضمن همان صورتجلسه تعیین و بامضای حاضرین برسد و فقط برای غائبین جلسه اخطاریه وقت دادرسی صادر میگردد.

اصلاح این ماده به این شکل جلوی بسیاری از اشکالات ابلاغ و بهانه‌های تجدید جلسه را میگیرد زیرا اولاً وکلای حاضر در جلسه اوقات محاکمات خود را حضوراً تطبیق مینمایند تا در دو محکمه در یک ساعت محاکمه نداشته باشند که موجبی برای تجدید جلسه باقی باشد. ثانیاً اصحاب دعوا باروایت حضوری وقت محاکمه دیگر مجالی برای طفره از ابلاغ وقت نمی‌یابند ثالثاً از تراکم کار برای صدور اخطاریه تا ابلاغ با این اقدام جلوگیری میشود. رابعاً این ترتیبی بود که تا چند سال قبل رعایت میشد ولی مدتی است برای اینکه راه عدم ابلاغ و یا عدم اعاده اخطاریه به پرونده باز باشد تا تجدید جلسه بعمل آید با کمال تأسف رویه فعلی را به وجود آوردند که اعلام تجدید جلسه مینمایند ولی بعداً وقت را تعیین و برای ابلاغ میفرستند که بهمیچوجه صحیح نیست و این اصلاح جلوی این کار را می‌گیرد.

(۶) ماده ۱۶۶ بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۶۶ - چنانچه مدعی در مبادله لوایح پاسخ ندهد مدیر پرونده را ظرف بیست و چهار ساعت به دادگاه ارسال میدارد. دادگاه پس از ملاحظه پرونده در صورتیکه احتیاج به توضیح از مدعی نداشته باشد رأی میدهد والا طبق دستوری که در ماده ۱۲۵ داده شد اقدام مینماید.

تفاوت این ماده اصلاحی با ماده فعلی در اینست که با آنکه ماده مزبور در مبحث «محاکمه غیابی» است باز هم در آنجا برای خواستن توضیح دستور تعیین جلسه رسیدگی داده است در حالیکه چون باماده اصلاحی ۱۲۵ متناقض است با این اصلاح ماده مزبور هم‌آهنگ با آن ماده شده از تشکیل جلسه غیر ضروری نیز

(۷) - به ماده ۳۵۸ این تبصره اضافه شود:

تبصره ماده ۳۵۸ - در مواردی که دادگاه ملاحظه پرونده‌ای را از مراجع قضائی یا اداری یا بانکها یا شرکتها و بطور کلی دستگاههای دولتی و بخش خصوصی لازم دانست مراتب را بمقامات مربوط کتباً اعلام میدارد تا در وقت مقرر برای جلسه رسیدگی پرونده امر بدون کم و کاست بنظر دادگاه برسد تا موارد استفاده از آن استخراج شود و متصدیان مزبور مکلف با انجام امر میباشند. در مواردی که پرونده امر در مقر دادگاه نیست مرجع مربوط باید فوراً پرونده را لاک و مهر کرده با پست سفارشی به اداره و یا دستگاه مربوط بسازمان خود و در صورتیکه دائر نباشد مستقیماً بدفتر دادگاه مربوط ارسال دارد که در وقت مقرر تحت نظر دادگاه قرار گیرد سپس فوراً بمرجع ارسال کننده اعاده شود. تخلف از این دستور علاوه بر اینکه مسؤولیت خسارت تضییع را متوجه متخلف مینماید که حق مطالبه از او دارد و دادگاه عالی انتظامی را واجد صلاحیت برای رسیدگی به تخلف متصدی متخلف امر مینماید که حق دارد او را بمجازات بانفصال موقت از خدمت محکوم نماید.

بدیهی است وجود این ماده نیز جلوی بسیاری از تجدید جلسات را که بعلت عدم وصول پرونده در دادگاهها بعمل میآید خواهد گرفت. خود اینجانب در پرونده‌ای در دادگاه استان تهران دو سال گرفتار تجدید جلسه بودم برای اینکه از آنطرف کاخ دادگستری باینطرف کاخ میبایستی پرونده‌ای را که دادگاه خواسته بود بیاورند و نمیآوردند.

(۸) - مواد از ۴۰۶ تا ۴۰۹ بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۴۰۶ - در مواردی که مطابق قانون مدنی گواهی مثبت دعوی و یا مؤثر در اثبات دعوی است دادگاه قرار استماع گواهی گواهان را صادر نموده جلسه رسیدگی را تعیین و بطرفی که بتقاضای او قرار مزبور را صادر نموده تکلیف مینماید که شهود نامبرده در دادخواست و یا لایحه را در جلسه مقرر بدادگاه حاضر نماید و در صورتیکه حاضر نکرد استماع شهادت شهود از عداد دلایل خارج میشود.

تفاوت این اصلاح با مواد از ۴۰۶ تا ۴۰۹ فعلی در اینست که اولاً امر رسیدگی را کوتاه مینماید ثانیاً از تجدید جلسات مکرر که امر احضار گواه را بعهده دادگاه انداخته جلوگیری میکند، ثانیاً موضوع خروج از عداد دلایل در اینمورد نیز پیش‌بینی شده که درحال حاضر در قانون ذکری از آن نیست.

(۹) - ماده ۴۲۶ بشرح ذیل اصلاح شود

ماده ۴۲۶ - در مواردی که تحقیق محلی طبق مقررات قانون مورد تقاضای

یکی از اصحاب دعوی واقع شده باشد دادگاهها فقط در صورتیکه مطابق قانون میتوان بگواهی گواهان استناد نمود و اجرای آن امر مؤثر در تشخیص حق باشد قرار تحقیق محلی صادر مینمایند.

تفاوت این اصلاح با ماده فعلی در اینست که جلوی تحقیقات محلی را در غیر مواردی که تأثیر کامل ندارد و دادگاه برای احتراز از اتخاذ تصمیم نهائی تقاضای تحقیق محلی را حتی در مواردی که دلیل دعوی منحصر بتقاضای مزبور باشد ترتیب اثر میدهند، خواهد گرفت و از اطالۀ رسیدگی و تجدید جلسات بعذر نداشتن عضو مجری قرار و یا تصادف وقت‌های تحقیقات محلی باهم و یا عدم ابلاغ وقت جلرگیری مینماید که خود یکی از ابتلاهای رسیدگی از دعاوی همین موضوع تحقیق محلی است که دادگاهها حتی در قرار خود مینویسند: «چون تحقیق محلی ممکن التاثیر در دعوی است» در حالیکه در ماده اصلاحی ضروری و مؤثر بودن تحقیق محلی شرط صدور قرار شده است.

(۱۰) - ماده ۴۳۵ بشرح ذیل اصلاح شود

به ماده ۴۳۵ - این عبارت اضافه شود: «اگر متقاضی تحقیق محلی در روز اجرای قرار حاضر نشد و یا وسیله اجرای قرار را فراهم نکرد تحقیقات محلی از عداد دلایل او خارج میشود و دادگاه بدون تعیین وقت دیگری رسیدگی را در همان جلسه‌ای که برای اجرای قرار تحقیق محلی تعیین نموده تکمیل کرده ختم رسیدگی را برای صدور رأی اعلام میدارد.

تأثیر این عبارت معلوم است زیرا اولاً تصریح بخروج تحقیق محلی از عداد دلایل شده، ثانیاً از تعیین جلسه دیگر احتراز جسته شده، ثالثاً دادگاه مکلف باتخاذ تصمیم نهائی گردیده است.

(۱۱) - ماده ۴۳۶ بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۴۳۶ - دادگاه در صورتیکه معاینه محل را در تشخیص حق ضروری دید قرار معاینه محل صادر و وقت معاینه و اجرای قرار را هم ضمن همان قرار تعیین مینماید.

تفاوت این اصلاح با ماده فعلی اینست که دست‌باز دادگاه را که بمحض تقاضای معاینه محل از طرف یکی از اصحاب دعوی بصدور قرار پردازد می‌بندد و او را محدود بزمانی میکند که مسؤولیت ضروری بودن آنرا بهعهده گرفته است زیرا خیلی دیده شده است که معاینه محل بعمل می‌آید و دادگاه در رأی خود بدون استناد بدان رأی صادر نموده.

(۱۲) - ماده ۴۳۹ بشرح ذیل اصلاح شود.

ماده ۴۳۹ - صورت معاینه محل در همان روز اجرای قرار بنظر اصحاب دعوی میرسد تا هراظهاری دارند نسبت بان بعمل آورند و طرف غائب در جلسه

اجرای قرار معاینه میتواند ظرف یکم هفته از تاریخ اجرای قرار صورت جلسه معاینه را ملاحظه نموده هراظهاری دارد کتبا بدادگاه تسلیم دارد. مدیر دفتر دادگاه مکلف است پس از یکم هفته از تاریخ اجرای قرار، پرونده را تحت نظر دادگاه قرار دهد و حاکم دادگاه بدون تعیین جلسه دیگری رأی نهائی خود را صادر مینماید.

تفاوت این ماده اصلاحی با ماده فعلی اینست که جلوی تعیین جلسه غیر ضروری را بعنوان «خواندن صورتجلسه معاینه محلی در جلسه دادرسی» که در ماده قبلی وجود دارد گرفته و دادگاه را وادار مینماید پرونده را مطالعه نموده رأی صادر کند.

(۱۳) - ماده ۴۴۴ بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۴۴۴ - هرگاه جلب نظر کارشناسی در اثبات دعوی و یا تشخیص حق ضروری باشد دادگاه قرار کسب نظر کارشناسی را صادر مینماید و باید در قرار صریحاً موضوعی که اظهار نظر کارشناسی نسبت بآن لازم است و مدتی که کارشناسی باید اظهار عقیده نماید تعیین کند.

در این ماده اصلاحی نیز رجوع بکارشناس محدودتر گردیده است و مسؤولیت ضروری بودن امر بعهده دادگاه گذارده شده است زیرا تالی فاسد آن در ماده پیشنهادی دیگری پیش بینی گردیده است.

(۱۴) - در ماده ۴۴۵ قسمتی از آن بشرح ذیل اصلاح شود

ماده ۴۴۵ - دادگاه در مورد فوق رأساً کارشناس را بقید قرعه تعیین میکند و اگر انتخاب کارشناس بلافاصله بعد از مبادله لوایح بعمل آید انتخاب کارشناس بطرفین اخطار میشود تا اگر جهت ردی باشد ظرف یکم هفته از تاریخ جلسه دادرسی که در آن کارشناس انتخاب شده اگر جهت ردی باشد بدادگاه اعلام نمایند.... الی آخر ماده.....

با این اصلاح از يك تعیین جلسه غیر ضروری که در ماده فعلی وجود دارد اجتناب میشود.

(۱۵) - ماده ۴۶۲ مکرر اضافه شود.

ماده ۴۶۲ - درباره قضاتی که به تعیین جلسات غیر لازم و یا صدور قرارهای استماع شهادت شهود و یا تحقیقات محلی و یا معاینه محلی و یا رجوع کارشناس و یا خواستن پرونده در موارد غیر مؤثر میپردازند دادگاه عالی انتظامی میتواند آنرا تخلف بزرگ محسوب نموده بمجازات انتظامی تا انفصال موقت از خدمت درباره قاضی متخلف رأی صادر نماید و در صورتیکه معلوم شود رویه قاضی متخلف براین نوع امور است حق دارد سلب صلاحیت قضایی از او بعمل آورد..

(۱۶) - مواد مربوط به دادخواست‌های پژوهشی و فرجامی و مواعد آن بشرح ذیل اصلاح شود:

(ماده ... مدت پژوهش و فرجام یکماه از تاریخ ابلاغ است که در این مدت پژوهشخواه و یا فرجامخواه دادخواست کامل بمراجع معینه در قانون آئین دادرسی تسلیم مینماید و مواد مربوط به مواعد و دادخواست ناقص مخالف این ماده فسخ میشود.) این اقدام اولاً در کار دادگستری اثر فاحش دارد زیرا دفاتر و اداره ابلاغ و محاکم را که قسمت عمده‌ای از وقت آنها صرف امر «دادخواست ناقص» میشود فارغ از این کار نموده متوجه کارهای اصلی و سرعت در آن امور مینماید ثانیاً از اطاله کار دادگستری جلوگیری مینماید ثالثاً چون مدت ده روز مهلت پژوهشی و فرجامی بیک ماه تمدید گردیده دیگر تصور تضییع حقی در میان نمیروود و در این مدت نسبتاً کافی میتوان دادخواست کامل تهیه و تسلیم نمود.

(۱۷) - ماده الحاقی ذیل اضافه شود.

ماده الحاقی - کلیه دادخواست‌های تسلیمی بمحاکم دادگستری اگر بدون دخالت وکیل باشد باید بگواهی لا اقل یک وکیل دادگستری رسیده باشد والا بجریان نمی‌افتد.

این ماده بسیاری از مشکلات دادگاهها را رفع مینماید از قبیل مواجهه شدن با دادخواستهای غلطی که باعث تضییع حق دادخواست کننده است و تسلیم دادخواستها بمراجع غیر صالح و هجوم کار چاق‌کن‌ها و عرضحال نویسه‌های غیر-مسئول و دادن دادخواستهای باطل و شلوغ شدن دادگستری و امثال آن که اثر بخصوصی در سرعت و صحت جریان کار دادگستری دارد.

در خاتمه بعرض میرسانم که کلیه پیشنهادات فوق نتیجه تجربه‌های خود اینجانب در محاکم حقوقی است که راه‌های اطاله محاکمات و تجدید جلسات را که عموماً ناشی از احساس عدم مسؤولیت دستگاههای قضائی و دولتی است احساس نموده و بلکه رنج برده‌ام.

از این جهت پیشنهادات مزبور را تقدیم نمودم که اگر واقعاً اعتقاد به تسریع محاکمات داشته باشید با تهیه لایحه‌ای که این نکات نیز در آن گنجانیده شود بسیاری از مشکلات اداری و دادرسی رفع میشود.

فراموش نمودم که ماده الحاقی دیگری باید اضافه شود بدین شرح:

(ماده الحاقی - وزارت دادگستری مکلف است کادر قضائی را تکمیل نموده بتعداد کافی کارمند علی‌البدل برای هر دادگاه که تقاضا شود و لازم باشد تعیین نموده و بکار مشغول دارد.)

در حال حاضر بسیاری از قرارهای دادگاهها بمناسبت نبودن عضو علی‌البدل در شهرستانها اجرا نمیشود و موجب تجدید جلسه و اطاله رسیدگی است که باید جداً این وضع را تغییر داد و مسؤولیت این نوع اطاله محاکمات با وزارت دادگستری است.

ابوالحسن عمیدی نوری